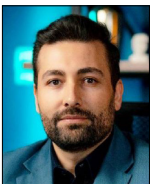




یادداشت

تاب آوری اقتصاد در دل بحران ها



صادق رضائی

استادیار اقتصاد دانشگاه تهران

اقتصاد ایران در چهار دهه گذشته شوک های بزرگی را پشت سر گذاشته است. در دوران جنگ تحمیلی، دولت با سهمیه بندی، کنترل قیمت ها و تخصیص دولتی ارز و کالا، حداقل های معیشتی را حفظ کرد. در تحریم های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و فشار حداکثری از ۱۳۹۷، تنوع بخشی به شرکای تجاری، مبادلات با همسایگان، فروش غیرمستقیم نفت، صادرات غیرنفتی و جایگزینی واردات گسترش یافت. تنوع نسبی اقتصاد، پایه های صنعتی و کشاورزی، بازار داخلی بزرگ و نیروی انسانی تحصیل کرده مانع قطع کامل تولید و تجارت شدند.

عبور از بحران بدون هزینه نبوده است؛ سرمایه گذاری، رشد بلندمدت و رفاه خانوار آسیب دیده اند. با این حال، فروپاشی اقتصادی مشخصه هایی مانند توقف تأمین کالاهای اساسی، فروپاشی نظام پرداخت، از دست رفتن کنترل بازار ارز و گریز کامل از پول ملی دارد که ایران در بحران های گذشته به آن ها نرسیده است. تداوم مقاومت نیز تضمینی برای آینده نیست و به کیفیت سیاست گذاری وابسته است.

سپهرای اقتصادی در برابر شوک ها

منابع انرژی و تولید داخلی وابستگی به واردات کالاهای نهایی را کاهش می دهند و موقعیت جغرافیایی و همسایگان متعدد، امکان تجارت مرزی و مسیرهای جایگزین را فراهم می کنند. تأمین ارز کالاهای اساسی، دارو و نهاده های تولید از اولویتهای بانک مرکزی است، هرچند تأمین نیازهای ضروری با تأمین کامل نیازهای اقتصاد و ثبات بازار تفاوت دارد.

این ظرفیت ها فشار تحریم را کاهش می دهند، اما هزینه بالای مبادله، دشواری دسترسی به بانکداری بین المللی و انتقال منابع باقی می ماند. ظرفیت های موجود بیشتر سپردن تا درمان؛ بازگشت به رشد به اصلاحات داخلی و بهبود محیط کسب و کار نیاز دارد. اگر معیار تاب آوری ادامه حیات باشد، اقتصاد ایران نمره خوبی می گیرد، اما در جبران زیان ها تصویر متفاوت است. پس از شوک های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و سپس ۱۳۹۷، افت تولید رخ داد و بازگشت به روند قبلی کامل نبود. شاخص های سرمایه گذاری، تشکیل سرمایه ثابت و تولید سرانه نشان می دهند بخشی از ظرفیت ها بازیابی نشده و برخی شوک ها اثری ماندگار بر تولید بالقوه گذاشته اند.

البته بهبود نسبی پس از ۱۳۹۱ و بازگشت رشد پس از افت های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ نیز توان بازیابی اقتصاد را نشان داد. اقتصاد در جلوگیری از سقوط نسبتاً موفق، اما در جبران کامل زیان ها ناقص عمل کرده است.

تاب آوری اقتصاد و رفاه خانوار

دوام اقتصاد کلان لزوماً با تاب آوری خانوار همراه نیست. تورم قدرت خرید دستمزددبگیران و بازنشستگان را کاهش می دهد و بار تعدیل ممکن است بر دهک های پایین بیفتد. کاهش مصرف ضروری، کنارگذاشتن هزینه آموزش و سلامت یا فروش دارایی ها، به فرسایش سرمایه انسانی و آثار ماندگار منجر می شود.

حمایت ها باید هدفمند و متناسب با تورم باشند؛ تأمین کالاهای اساسی و دسترسی یاتیات به آن ها به هموارسازی مصرف و جلوگیری از تبدیل شوک موقت درآمدی به کاهش ماندگار مصرف کمک می کند. این امر به منابع پایدار و شبکه حمایتی کارآمد نیاز دارد. هیچ سیاست جبرانی جای مهار تورم را نمی گیرد؛ تأمین حمایت ها از طریق خلق پول، تورم را تشدید می کند.

چرا اقتصاد ایران وارد ابر تورم نشد؟

ابرتورم معمولاً تورم ماهانه بیش از ۵۰ درصد است؛ ایران با وجود تورم بالا و مزمن به این آستانه نرسیده است.

ادامه در صفحه ۲

تازه های اقتصاد از نوسان بازارهای مالی ایران و جهان گزارش می دهد

روز ریزش قیمت ها



ارز حاصل از صادرات باید در چرخه بانک مرکزی گردش کند



محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، از توافقات جدید میان بانک مرکزی، وزارت صمت و صادرکنندگان برای تسهیل فرایند تجارت و تأمین ارز مورد نیاز واردات خبر داد. وی با اشاره به تغییر رویه بانک مرکزی در زمینه استفاده از ارز حاصل از صادرات اظهار کرد: بر اساس توافقات صورت گرفته، به صادرکنندگان اجازه داده شده است از ارز حاصل از صادرات خود و دیگران برای انجام فرایند صادرات استفاده کنند.

سقوط تاریخی سهام غول های فناوری دنیا



بازارهای جهانی سهام در روزهای پایانی هفته گذشته شاهد موجی از فروش بودند که شرکت های فناوری و فعالان حوزه هوش مصنوعی را در مرکز توجه قرار داد. روز پنجشنبه ۲۲ اکتبر، شاخص نزدک آمریکا ۲.۶ درصد افت کرد؛ بزرگترین کاهش روزانه این شاخص از ماه ژوئن. سهام متا نیز پس از انتشار خبرهایی درباره برنامه های تأمین مالی و افزایش هزینه های این شرکت، حدود ۷ درصد سقوط کرد.

ذخایر ارزی ایران بیش از حد انتظار حتی بعد از ترامپ



عبدالنصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، در حاشیه اجلاس سالانه صندوق بین المللی پول و گروه بانک جهانی در بانکوک تایلند، گفت: ذخایر ارزی ایران برای تأمین واردات مواد غذایی، دارو و مواد اولیه شرکت ها خوب و در وضعیت مطلوبی قرار دارد و برای مدتها پس از دوره ترامپ، کفایت می کند. همتی از بررسی اقداماتی برای جبران اختلال در صادرات نفت ناشی از محاصره آمریکا خبر داد.

رفع موانع صادرات به عراق، پاکستان و افغانستان



معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه از بازنگری در سازوکارها و مقررات مرتبط با تعهدات صادرکنندگان متأثر از مشکلات حمل‌ونقل و لجستیک خبر داد و گفت: پیشنهادهایی برای رفع موانع صادرات به عراق، پاکستان و افغانستان مطرح شده است. حمید قنبری گفت: شرایط جنگی تحمیل شده، مسایل و مشکلات جدیدی را برای فعالان حوزه صادرات ایجاد کرده است، از این رو تغییرات در سازوکارهای داخلی برای رسیدگی به این مشکلات و تعهدات صادرکنندگان ضروری‌ست. وی تصریح کرد: برای صادر کنندگانی که نمی‌توانند تعهد خود را به دلیل مشکلات ایجاد شده در حمل و نقل ایفا کنند و یا صادر کنندگانی که ارز را دریافت و باید مواد اولیه را وارد می‌کردند، اما به دلیل مشکلات بوجود آمده در مسیرهای حمل و لجستیک، قادر به انجام تعهدات خود نیستند، راهکارهایی در نظر گرفته شده است.

گفت و گو

ارز حاصل از صادرات باید در

چرخه بانک مرکزی گردش کند



محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، در گفت‌وگو با خبرنگار تازه‌های اقتصاد، از توافقات جدید میان بانک مرکزی، وزارت صمت و صادرکنندگان برای تسهیل فرایند تجارت و تأمین ارز مورد نیاز واردات خبر داد. وی با اشاره به تغییر رویه بانک مرکزی در زمینه استفاده از ارز حاصل از صادرات اظهار کرد: بر اساس توافقات صورت‌گرفته، به صادرکنندگان اجازه داده شده است از ارز حاصل از صادرات خود و دیگران برای انجام فرایند صادرات استفاده کنند؛ امکانی که پیش از این به این شکل وجود نداشت و با توجه به شرایط فعلی کشور در دستور کار قرار گرفته است. اتابک افزود: در حال حاضر، با تأیید منشأ ارز از سوی بانک مرکزی، امکان استفاده از ارز سپرده نیز برای واردات فراهم شده است. این اقدامات در راستای تسهیل تجارت و متناسب با شرایط متغیر مرزها، محدودیت‌های دریایی و وضعیت بنادر کشور انجام شده‌اند.

وزیر صمت با اشاره به اجرای بخشی از توافقات میان این وزارتخانه و بانک مرکزی تصریح کرد: برخی از پیشنهادهای مطرح‌شده تاکنون مورد پذیرش بانک مرکزی قرار گرفته و اجرای آنها آغاز شده است. امیدواریم با برگزاری نشست‌های مشترک با صادرکنندگان بخش خصوصی، سایر مسائل و مشکلات روزمره فعالان تجاری نیز شناسایی و با همکاری بانک مرکزی برطرف شوند.

اتابک در ادامه با تأکید بر ضرورت بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه رسمی اقتصادی کشور گفت: ارز حاصل از صادرات باید در چرخه بانک مرکزی گردش داشته باشد. انتظار می‌رود صادرکنندگان از فرصت‌ها و تسهیلات فراهم‌شده برای بازگشت ارز استفاده کنند و منابع ارزی خود را به چرخه بانکی کشور بازگردانند.

وی خاطرنشان کرد: صادرکنندگان می‌توانند متناسب با میزان ارزی که به چرخه بانکی کشور بازمی‌گردانند، از آن برای فعالیت‌های اقتصادی خود استفاده کنند. از این رو، انتظار می‌رود فعالان اقتصادی بانک مرکزی را مرجع نظام ارزی کشور بدانند؛ چراکه این نهاد باید از جریان‌های ارزی و مبادلات مرتبط با آن در کشور اطلاع داشته باشد. وزیر صنعت، معدن و تجارت در پایان تأکید کرد که هماهنگی میان بانک مرکزی، وزارت صمت و بخش خصوصی، در کنار بازگشت ارز صادراتی به چرخه رسمی، می‌تواند به تسهیل مبادلات تجاری و مدیریت بهتر نیازهای ارزی کشور کمک کند.

تاب‌آوری اقتصاد در دل بحران‌ها

ادامه یادداشت مصرف و تولید داخلی، درآمد‌های ارزی، کنترل بخشی از قیمت‌ها و بازار ارز، دارایی‌های جایگزین مانند ارز، طلا، مسکن و بورس و تداوم درآمد صادراتی در این وضعیت نقش داشته‌اند. حضور دارایی‌های جایگزین به خانوارها امکان داده بخشی از ارزش دارایی خود را حفظ کنند و به این ترتیب، فشار هم‌زمان و ناگهانی بر پول ملی کمتر شده است.

این عوامل مصونیت مطلق ایجاد نمی‌کنند. کسری بودجه مزمن متکی به خلق پول، گریز از پول ملی و افزایش سرعت گردش آن، اختلال شدید عرضه ارز، فقدان لنگر اسمی معتبر برای انتظارات و ناترازی بانک‌ها و صندوق‌ها می‌توانند تورم را تشدید کنند. اگر دولت یا نظام بانکی برای جبران ناترازی به خلق پول متکی شوند، مبنای تورم بالا می‌رود. وقتی مردم و بنگاه‌ها انتظار کنند ارزش پول به‌سرعت کاهش یابد، سرعت گردش پول بالا می‌رود و تورم خودتقویت‌شونده می‌شود. قطع شدید منابع ارزی نیز در صورتی که عرضه ارز به‌طور جدی مختل شود، ضربه ارزی را به قیمت‌ها منتقل می‌کند. ابرتورم محتمم گردش است و تنها از فشار بیرونی ناشی نمی‌شود؛ رفتار سیاستی و انتظارات نیز تعیین‌کننده‌اند. تقویت انضباط مالی و پولی و مهار ناترازی‌ها فاصله از این آستانه را بیشتر می‌کند. بهترین پرسش روزانه سیاست‌گذاران این است: «کشگری من به‌عنوان سیاست‌گذار، کجای این وضعیت اقتصادی یا سیاسی قرار دارد؟»

شرط جدید بانک مرکزی برای صندوق‌های ارزی



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با صدور ابلاغیه‌ای، در خصوص کیفیت اسکناس ارز قابل مبادله مابین صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت ارزی و سرمایه‌گذاران، شرایط الزامی را تعیین کرد.بر این اساس، دریافت ارز به صورت اسکناس یکصد دلاری از سرمایه‌گذاران صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت ارزی توسط بانک‌های مدیر عملیات این صندوق‌ها در زمان صدور واحدهای صندوق، صرفاً به صورت دلار آبی رنگ مجاز است. در بخش دیگری از این ابلاغیه، پرداخت ارز به صورت اسکناس یکصد دلاری به سرمایه‌گذاران صندوق‌های با درآمد ثابت ارزی توسط بانک‌های مدیر عملیات ارزی این صندوق‌ها در زمان ابطال واحدهای صندوق، صرفاً به صورت دلار آبی رنگ مجاز است. تاکنون دو صندوق سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت ارزی مجوز فعالیت و پذیره نویسی را از بانک مرکزی و سازمان بورس دریافت کرده‌اند.

تازه‌های اقتصاد از نوسان بازارها گزارش می‌دهد

روز ریزش قیمت‌ها در ایران و جهان



ایجاد می‌کند، اما از سوی دیگر هزینه انرژی و حمل‌ونقل را در اقتصاد جهانی بالا می‌برد. این وضعیت برای کشورهای واردکننده انرژی فشار بیشتری ایجاد می‌کند و می‌تواند روند کاهش تورم و تعدیل نرخ بهره را دشوارتر سازد.

اگر افزایش قیمت نفت تداوم پیدا کند، آثار آن ممکن است از بازار انرژی فراتر برود و بر هزینه تولید، قیمت کالاها، انتظارات تورمی و تصمیم بانک‌های مرکزی اثر بگذارد. در چنین شرایطی، حتی اگر رشد اقتصادی ضعیف شود، فشارهای تورمی ناشی از انرژی می‌تواند دست سیاست‌گذاران پولی را برای کاهش نرخ بهره محدود کند.

این ترکیب، یکی از چالش‌های مهم بازارهای جهانی است: افزایش هزینه انرژی می‌تواند هم‌زمان چشم‌انداز سودآوری برخی شرکت‌ها را بهبود دهد و هزینه فعالیت اقتصادی را برای بخش گسترده‌تری از بنگاه‌ها و مصرف‌کنندگان افزایش دهد.

● نبض بازارها با تنش می‌زند

بررسی تحولات روز شنبه در بازار ایران و معاملات روزهای اخیر در بازارهای جهانی نشان می‌دهد که بازارهای مالی تحت تأثیر هم‌زمان چند نیروی متفاوت قرار دارند. در ایران، کاهش قیمت دلار و طلا با افت بورس همراه شده است؛ در سطح جهانی نیز عقب‌نشینی سهام و فلزات گرانبها در کنار افزایش قیمت نفت رخ داده است. این ترکیب در نگاه نخست متناقض به نظر می‌رسد، اما تفاوت عوامل تعیین‌کننده قیمت‌ها را آشکار می‌کند.

بازار طلا از نرخ بهره، ارزش دلار و تقاضای دارایی امن تأثیر می‌پذیرد؛ بازار سهام به چشم‌انداز سودآوری شرکت‌ها، هزینه تأمین مالی و انتظارات رشد اقتصادی حساس است؛ نفت نیز در شرایط کنونی بیش از هر چیز از نگرانی‌های مربوط به عرضه و امنیت مسیرهای انتقال انرژی تأثیر می‌گیرد.

به همین دلیل، هم‌زمانی افت سهام و طلا با افزایش قیمت نفت را باید در چارچوب افزایش نااطمینانی، تغییر انتظارات سرمایه‌گذاران و بازنگری در چشم‌انداز تورم و نرخ بهره تحلیل کرد. در واقع، ریسک‌های ژئوپلیتیک همیشه به افزایش قیمت همه دارایی‌ها منجر نمی‌شوند و ممکن است بسته به مسیر اثرگذاری بر اقتصاد، در بازارهای مختلف پیامدهای متفاوتی داشته باشند.

برای بازار ایران نیز تداوم افت قیمت‌ها به مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی وابسته خواهد بود. مسیر نرخ ارز، سیاست‌های پولی و ارزی، انتظارات تورمی، وضعیت نقدینگی و تحولات سیاسی می‌توانند جهت معاملات روزهای آینده را تغییر دهند. در بازار جهانی نیز تصمیم‌های پیش‌روی فدرال رزرو، داده‌های تورمی آمریکا و تحولات خاورمیانه از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر روند قیمت‌ها خواهند بود.

است بر حاشیه سود برخی صنایع فشار وارد کند.

افت بورس‌های جهان؛ از وال‌استریت تا اروپا

در بازارهای بین‌المللی نیز معاملات روز جمعه با کاهش شاخص‌های اصلی سهام آمریکا همراه شد. بر اساس گزارش آسوشیتدپرس، شاخص صنعتی داو جونز ۱.۲۳ درصد افت کرد و به ۵۲ هزار و ۲۱۵ واحد رسید. شاخص اس‌اند‌پی ۵۰۰ نیز با کاهش ۰.۵۲ درصدی در سطح ۷ هزار و ۶۲۳ واحد بسته شد. نزدک هم ۰.۲۱ درصد کاهش یافت و به حدود ۲۵ هزار و ۹۵۵ واحد رسید.

در اروپا نیز شاخص‌های اصلی سهام عمدتاً در محدوده منفی قرار گرفتند. نگرانی از افزایش هزینه انرژی، نااطمینانی درباره سرمایه‌گذاری‌های فناوری و هوش مصنوعی و مسائل سیاسی و مالی فرانسه از جمله عواملی بودند که بر رفتار معامله‌گران اثر گذاشتند.

در چنین فضایی، سرمایه‌گذاران علاوه بر بررسی عملکرد شرکت‌ها و چشم‌انداز سودآوری آنها، پیامدهای تحولات ژئوپلیتیک بر تورم، هزینه تأمین مالی و سیاست‌های پولی را نیز در تصمیم‌های خود لحاظ می‌کنند. افزایش نااطمینانی معمولاً تمایل به پذیرش ریسک را کاهش می‌دهد و می‌تواند به خروج سرمایه از بخشی از دارایی‌های پریسک منجر شود. در بازار اوراق قرضه آمریکا نیز بازده اوراق ۱۰ ساله، بر اساس داده‌های مورد گزارش‌های بازار، به محدوده ۴.۹۹ درصد رسید. افزایش بازده اوراق خزانه‌داری می‌تواند جذابیت نسبی این دارایی‌ها را در برابر سهام و طلا افزایش دهد و هم‌زمان هزینه تأمین مالی شرکت‌ها و دولت را بالا ببرد. البته تغییرات بازده اوراق تنها به انتظارات تورمی وابسته نیست و عواملی مانند چشم‌انداز رشد اقتصادی، عرضه اوراق دولتی و انتظارات مربوط به تصمیم‌های فدرال رزرو نیز بر آن اثر می‌گذارند. از همین رو، بررسی هم‌زمان بازار سهام، اوراق قرضه و فلزات گرانبها تصویر روشن‌تری از انتظارات سرمایه‌گذاران ارائه می‌دهد.

نفت گران؛ متغیر تعیین‌کننده بازارها

در میان تحولات جهانی، افزایش قیمت نفت از مهم‌ترین رویدادهای اثرگذار بر چشم‌انداز بازارها بوده است. نفت برنت با رشد ۳.۱ درصدی به ۱۱۶ دلار و ۷۲ سنت در هر بشکه رسید و نفت خام وست‌تگزاس اینترمدیت آمریکا نیز با افزایش ۳.۸ درصدی در سطح ۱۰۳ دلار و ۳۰ سنت معامله شد. نگرانی درباره اختلال در عرضه انرژی خاورمیانه و افزایش تهدیدها علیه کشتیرانی منطقه از عوامل اصلی رشد قیمت نفت بوده است. گزارش‌های مربوط به افزایش حملات علیه کشتی‌های تجاری در ماه اکتبر و آسیب دیدن شمار زیادی نفتکش‌ها نیز بر نگرانی‌ها درباره امنیت مسیرهای انتقال انرژی افزوده است. چنین تحولاتی می‌تواند هزینه بیمه، حمل‌ونقل و انتقال نفت را افزایش دهد و ریسک عرضه را در بازار جهانی تشدید کند. افزایش قیمت نفت از یک سو برای تولیدکنندگان انرژی و برخی شرکت‌های نفتی فرصت درآمدی

نکته مهم آن است که افزایش ریسک‌های سیاسی و نظامی الزاماً به رشد فوری قیمت طلا منجر نمی‌شود. در شرایط عادی، تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک می‌تواند تقاضا برای دارایی‌های امن را افزایش دهد؛ اما اگر همین تنش‌ها به رشد قیمت نفت، افزایش انتظارات تورمی و احتمال تداوم سیاست پولی انقباضی منجر شوند، بخشی از تقاضای ناشی از نااطمینانی سیاسی ممکن است با فشار ناشی از دلار قوی و بازده بالاتر اوراق خنثی شود.

از این منظر، افت قیمت طلا در شرایط افزایش نگرانی‌های ژئوپلیتیک لزوماً به معنای کاهش تقاضا برای دارایی امن نیست، بلکه می‌تواند بازتاب غلبه موقت عوامل پولی و تورمی بر تقاضای احتیاطی باشد. ارزیابی مسیر آینده فلزات گرانبها نیز مستلزم بررسی هم‌زمان تحولات سیاسی، قیمت انرژی، سیاست پولی آمریکا و رفتار دلار است.

بورس تهران در مسیر اصلاح

در بازار سهام ایران، شاخص کل بورس تهران با افت حدود ۱.۵۸ درصدی به محدوده ۸ میلیون و ۴۴ هزار و ۶۵۶ واحد رسید. این کاهش در ادامه فضای محتاطانه حاکم بر بازارهای مالی رخ داده است؛ فضایی که در آن سرمایه‌گذاران با توجه به نااطمینانی‌های سیاسی، نوسانات نرخ ارز و تغییر قیمت‌های جهانی، در ارزیابی چشم‌انداز سودآوری شرکت‌ها محتاط‌تر عمل می‌کنند.

البته افت شاخص کل به معنای کاهش یکسان ارزش تمام نمادها نیست. وزن شرکت‌های بزرگ در محاسبه شاخص و میزان اثرگذاری صنایع مختلف می‌تواند موجب شود عملکرد شاخص کل با وضعیت سهام کوچک‌تر یا حتی برخی گروه‌های صنعتی تفاوت داشته باشد.

در جریان معاملات امروز، بیش از یک میلیون معامله در بورس تهران انجام شد و ارزش معاملات به ۴۵.۲ همت رسید. نمادهای فعلی، فارس، فولاد، تابان، وبملت، تاپیکو و تاصیکو از جمله نمادهای تأثیرگذار بر روند معاملات بازار بودند.

در بازار فرابورس نیز روند نزولی حاکم بود و شاخص کل این بازار با افت ۴۱۳ واحدی به سطح ۶۷ هزار و ۳۰ واحد رسید. تعداد معاملات فرابورس ۷۰۲ هزار و ۲۰۲ فقره ثبت شد.

افت شاخص‌های بورس و فرابورس نشان می‌دهد فشار فروش به بخش‌های مختلف بازار سهام گسترش یافته است. با این حال، برای ارزیابی دقیق‌تر وضعیت بازار باید علاوه بر تغییر شاخص‌ها، ارزش معاملات، جریان ورود و خروج نقدینگی، عملکرد صنایع و نسبت قیمت سهام به سودآوری شرکت‌ها را نیز بررسی کرد. از سوی دیگر، افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی برای تمام شرکت‌های بورسی پیامد یکسانی ندارد. شرکت‌های برخوردار از درآمد‌های صادراتی ممکن است از افزایش قیمت برخی محصولات منتفع شوند، اما محدودیت‌های تجاری، هزینه‌های تولید، نحوه تسعیر درآمد‌های ارزی و سیاست‌های داخلی می‌توانند میزان این اثرگذاری را تغییر دهند. در مقابل، افزایش هزینه انرژی و حمل‌ونقل نیز ممکن

ریزش قیمت‌ها در بازارهای

مالی ایران و جهان در حالی رقم خورده است که بهای جهانی نفت

به رکورد تازه‌ای رسیده و نگرانی‌ها درباره تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک در خاورمیانه افزایش یافته است. روز شنبه، دوم آبان ۱۴۰۵، بازارهای داخلی با افت قیمت ارز، طلا و سهام مواجه شدند و بورس‌های جهانی نیز تحت فشار فروش قرار گرفتند. در ایران، دلار و طلای ۱۸ عیار کاهش قیمت را تجربه کردند و شاخص کل بورس تهران حدود ۱.۵۸ درصد افت کرد.

در بازارهای جهانی نیز کاهش شاخص‌های سهام و عقب‌نشینی طلا در کنار جهش قیمت نفت، از پیچیده‌تر شدن فضای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران حکایت دارد؛ فضایی که در آن نگرانی‌های تورمی، چشم‌انداز نرخ بهره آمریکا، ریسک‌های سیاسی و نیاز به نقدینگی به‌طور هم‌زمان بر معاملات اثر می‌گذارند.

عقب‌نشینی ارز و طلا در بازار ایران

به گزارش تازه‌های اقتصاد، در بازار داخلی ایران، هر گرم طلای ۱۸ عیار با افت حدود ۴.۳ درصدی به ۲۶ میلیون و ۱۱۰ هزار تومان رسید. سکه امامی نیز حدود ۲.۸ درصد کاهش قیمت داشت و در محدوده ۲۶۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان معامله شد. دلار آمریکا هم با افت ۱.۳ درصدی به حدود ۲۶۸ هزار تومان رسید.

هم‌زمان، شاخص کل بورس تهران با کاهش حدود ۱.۵۸ درصدی به محدوده ۸ میلیون و ۴۴ هزار و ۶۵۶ واحد عقب نشست؛ اتفاقی که از تداوم فضای محتاطانه در بازار سهام حکایت دارد.

افت قیمت‌ها در بازار ارز در شرایطی رخ داده که نوسانات روزهای گذشته، انتظارات سیاسی و اقتصادی را به یکی از عوامل اصلی جهت‌دهی به معاملات تبدیل کرده است. نرخ دلار در ایران علاوه بر عرضه و تقاضای جاری، از انتظارات تورمی، میزان دسترسی به منابع ارزی، وضعیت تجارت خارجی و ارزیابی معامله‌گران از تحولات سیاسی و روابط خارجی تأثیر می‌پذیرد.

در این میان، مداخله هفتمین بانک مرکزی در بازار ارز و مدیریت عرضه، در مهار نوسانات و جلوگیری از تشدید بی‌ثباتی نقش داشته است. این رویکرد در شرایطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که فشارهای خارجی و تلاش آمریکا برای ایجاد شوک اقتصادی، انتظارات فعالان بازار را تحت تأثیر قرار داده است. با این حال، پایداری ثبات ارزی به تداوم دسترسی به منابع، مدیریت انتظارات و هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی نیز وابسته است.

در بازار طلا، افت قیمت‌ها محسوس‌تر بود. این کاهش را نمی‌توان صرفاً به تغییر نرخ دلار نسبت داد؛ زیرا بهای جهانی طلا نیز در روزهای اخیر تحت فشار قرار گرفته است. قیمت طلا در ایران از دو متغیر اصلی، یعنی نرخ ارز و بهای جهانی اونس، تأثیر می‌پذیرد. در کنار این عوامل، حباب سکه، هزینه‌های معاملاتی و میزان تقاضای سرمایه‌گذاری نیز می‌توانند شدت نوسانات را افزایش دهند. بنابراین، کاهش هم‌زمان نرخ دلار و بهای جهانی طلا، فشار مضاعفی بر بازار داخلی طلا و سکه وارد می‌کند.

ریزش اونس طلا به زیر ۴ هزار دلار

در بازارهای جهانی، طلا پس از ثبت سطوح بالای قیمتی در روزهای گذشته با موج تازه‌ای از فشار فروش مواجه شد. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، بهای نقدی هر اونس طلا در معاملات روز جمعه به حدود ۳ هزار و ۹۹۶ دلار رسید. قراردادهای آتی طلا در بازار کامکس نیز در معاملات روز پنجشنبه با افت ۲.۱۲ درصدی در سطح ۴ هزار و ۴۲ دلار و ۸۰ سنت به ازای هر اونس تسویه شدند. گزارش‌های رسانه‌های مالی، از جمله وال‌استریت ژورنال و کیتکو، افزایش قیمت انرژی، تقویت دلار آمریکا، بالا ماندن بازده اوراق خزانه‌داری و نگرانی درباره تداوم تورم را از عوامل فشار بر فلزات گرانبها معرفی کرده‌اند. این عوامل می‌توانند احتمال کاهش سریع نرخ بهره آمریکا را محدود کنند و در نتیجه، جذابیت دارایی‌هایی مانند طلا را که سود دوره‌ای پرداخت نمی‌کنند، برای بخشی از سرمایه‌گذاران کاهش دهند.

آغاز بارگذاری فرم‌های تبصره ماده ۱۰۰



سازمان امور مالیاتی کشور از آغاز بارگذاری تدریجی فرم‌های مالیات مقطوع صاحبان مشاغل برای عملکرد سال ۱۴۰۴ خبر داد و اعلام کرد این فرآیند تا ۱۵ آبان‌ماه تکمیل می‌شود.محمد نوری مدیرکل دفتر توسعه خوداظهاری و تمکین داوطلبانه سازمان امور مالیاتی کشور، اعلام کرد: مودیان مشمول می‌توانند پس از دریافت پیامک مربوطه، با ورود به درگاه ملی خدمات الکترونیکي به آدرس my.tax.gov.ir نسبت به تأیید فرم تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم اقدام کنند. نوری با اشاره به روند بارگذاری این فرم‌ها افزود: بارگذاری فرم‌های تبصره ماده ۱۰۰ به‌صورت تدریجی است و تا نیمه آبان‌ماه تکمیل خواهد شد؛ بنابراین مودیانی که در هفته نخست فرم خود را مشاهده نمی‌کنند، به هیچ عنوان نگران نباشند، چرا که فرم سایر مشمولان به‌تدریج تا پانزدهم آبان‌ماه در سامانه قرار می‌گیرد.

حذف ۲۹۷ هزار نفر از فهرست یارانه بگیران



آمار سه ماهه حاکی از حذف بیش از ۱۰۹ هزار خانوار و ۲۹۷ هزار نفر از فهرست یارانه‌بگیران در مهرماه است. تحولات آماری سه ماهه اخیر گویای این واقعیت است که روند پرداخت یارانه نقدی در شهریورماه مسیری صعودی را تجربه کرده، اما در مهرماه با یک انقباض و ریزش ملموس مواجه شده است. در حالی که از مرداد تا شهریور، هم جامعه مشمولان و هم حجم اعتبارات پرداختی با شیبی ملایم رشد داشت (افزایش بیش از ۳۱ هزار سرپرست خانوار و صعود ۳۰۷ میلیارد ریالی بودجه)، در مهرماه این سناریو به کلی تغییر کرد.این تغییرات در مهرماه می‌تواند نشان‌دهنده اعمال جدی‌تر معیارهای آزمون وسع و به‌روزرسانی داده‌های پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان بوده باشد که خروج قابل‌توجهی از خانوارها را از دایره مشمولان دهک‌های چهارم تا نهم رقم زد.

گزارش خبری

ذخایر ارزی ایران بیش از حد انتظار؛ حتی بعد از ترامپ

عبدالنصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، در حاشیه اجلاس سالانه صندوق بین‌المللی پول و گروه بانک جهانی در بانکوک تأیید کرد: ذخایر ارزی ایران برای تأمین واردات مواد غذایی، دارو و مواد اولیه شرکت‌ها خوب و در وضعیت مطلوبی قرار دارد و برای مدت‌ها پس از دوره ترامپ، کفایت می‌کند.

همتی که با الشرق بلومبرگ گفت و گو می‌کرد از بررسی اقداماتی برای جبران اختلال در صادرات نفت ناشی از محاصره آمریکا خبر داد و گفت از جمله این اقدامات مولدسازی و اصلاح نظام یارانه‌های انرژی است.

رئیس کل بانک مرکزی تأکید کرد: ایران با وجود تحریم‌ها از فروپاشی مالی جلوگیری کرده و ذخایر ارزی کشور برای تأمین واردات تا سال ۲۰۲۸ کافی است. بانک مرکزی همچنین تلاش می‌کند قدرت خرید مردم را حفظ و تورم را کنترل کند. همتی گفت: دولت در حال تمرکز بر منابع درآمدی‌ای است که پیش‌تر به دلیل اتکای کشور به صادرات نفت، کمتر مورد توجه قرار گرفته بودند.



او همچنین اصلاح نظام یارانه‌های انرژی را یکی از گزینه‌های پیش رو دانست و تأکید کرد: در بخش ریالی، نفت سهم عمده‌ای در بودجه ریالی ندارد و دولت مصمم است از طریق سایر منابع ریالی نظیر فروش دارایی، اصلاحات لازم در بخش انرژی و صادرات فراآورده‌های نفتی، کسری بودجه را تأمین کند. در خصوص بخش ارزی نیز، ضمن اینکه هنوز وصولی ارز صادرات نفتی را داریم، برای ادامه هم تمهیدات لازم را انجام داده‌ایم.

رئیس کل بانک مرکزی با بیان این که دولت تمام تلاش خود را برای محافظت از قدرت خرید گروه‌های آسیب‌پذیر به کار می‌گیرد گفت : ما نظامی از کالا برگ‌ها برای خرید کالاهای مورد نیاز زندگی مردم داریم و دولت از این کالاها حمایت می‌کند.

همتی گفت: آمریکایی‌ها وعده داده بودند که با تشدید فشارهای اقتصادی، اقتصاد ایران در دو هفته فروخواهد پاشید، اما با گذشت این مدت، به هدف خود نرسیدند و مشخص شد این ادعا چیزی جز توهم نبوده است. وی تأکید کرد که این فشارها، به فروپاشی اقتصادی ایران منجر نشد. رئیس کل بانک مرکزی همچنین گفت تزریق ارز به بازار را از طریق برنامه‌ای با منابعی بالغ بر دو میلیارد دلار آغاز کرده است. هدف این برنامه، کاهش نوسانات ارزش ریال است. او تأکید کرد بانک مرکزی در صورت نیاز می‌تواند بار دیگر در بازار را مداخله کند.

وی با بیان اینکه هر مقدار ارز که لازم است در اختیار داریم، تأکید کرد: عرضه دو میلیارد دلار ارز به بازار آغاز شده است و بانک مرکزی هر میزان ارز موردنیاز را برای مقابله با فشارهای ارزی و حفظ ارزش پول ملی در اختیار دارد تا به تقاضاها پاسخ دهد و نوسانات را کنترل کند.

همتی با تأکید بر اینکه بانک مرکزی برای مقابله با فشارهای موجود تلاش خواهد کرد، گفت: هدف ما در دولت و بانک مرکزی ایجاد ثبات در نرخ ارز و کاهش نوسانات قیمتی در بازار است. وی درباره میزان ارز تزریق‌شده به بازار نیز توضیح داد که حجم عرضه به میزان تقاضا بستگی دارد و در صورت افزایش تقاضا، میزان عرضه ارز نیز افزایش خواهد یافت.

رییس کل بانک مرکزی گفت: بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده را آغاز کردیم و این اقدام به بهبود جریان ورود کالاها به بازار کمک کرده است. بخشی از این آسیب‌ها مربوط به واحدهای صنعتی بود که بخش اعظم آن‌ها به مدار تولید برگشتند.

کارشناسان در گفت و گو با تازه‌های اقتصاد تبیین کردند:

دست بالای اقتصاد ایران در برابر فشار تحریم



و کاهش آسیب‌پذیری کشور در برابر فشارهای خارجی را دوچندان می‌کند.

تاب‌آوری اقتصاد ایران، مانع تحقق سناریوی فروپاشی اقتصادی

یحیی آل‌اسحاق، رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق، با اشاره به ادعاهای اخیر وزیر خزانه‌داری آمریکا درباره فروپاشی قریبالوقوع اقتصاد ایران، گفت: امروز تقابل ما با دشمنان در حوزه اقتصاد متمرکز شده است؛ چراکه آن‌ها تمام توان خود را در حوزه‌های مختلف، از جمله نظامی و غیرنظامی گرفته تا فشارهای سیاسی و رسانه‌ای به کار گرفته‌اند، اما به اهداف موردنظر خود نرسیده‌اند و اکنون تصور می‌کنند با استفاده از ابزارهای اقتصادی می‌توانند به اهدافشان دست پیدا کنند.

وی افزود: دشمنان از هر ابزاری که در اختیار دارند، از جنگ روانی و رسانه‌ای گرفته تا ایجاد اختلال در حوزه ارز، حمل‌ونقل، تجارت، مرزها و کشتیرانی، برای افزایش فشار بر اقتصاد ایران استفاده می‌کنند. در چنین شرایطی باید توجه داشت که افزایش قیمت‌ها، تورم و فشار بر معیشت مردم، اگرچه واقعیت‌هایی انکارناپذیر هستند، اما لزوماً به معنای فروپاشی اقتصادی نیستند. برای ارزیابی دقیق صادق باید تعریف روشنی از فروپاشی اقتصادی داشته باشیم و میزان تاب‌آوری اقتصاد را در نظر بگیریم.

آل‌اسحاق بیان کرد: اگر منظور از فروپاشی اقتصادی، افزایش قیمت‌ها و تورم باشد، این شاخص‌ها به‌تنهایی نمی‌توانند مبنای چنین نتیجه‌گیری‌ای قرار گیرند. در شرایط جنگ اقتصادی، ممکن است اقتصاد با آسیب‌ها و دشواری‌هایی مواجه شود، اما باید میان آسیب‌دیدن بخش‌هایی از اقتصاد و فروپاشی کلی آن تفاوت قائل شد. آنچه اهمیت دارد، توانایی کشور در مدیریت فشارها، حفظ فعالیت‌های اقتصادی و تأمین نیازهای اساسی جامعه است.

وی با تأکید بر اینکه یکی از اهداف اصلی دشمن، تأثیرگذاری بر افکار عمومی و فعالان اقتصادی از طریق عملیات رسانه‌ای است، تصریح کرد: نگرانی اصلی زمانی شکل می‌گیرد که روایت‌های رسانه‌ای دشمن در جامعه و میان فعالان اقتصادی مورد پذیرش قرار گیرد. تکرار ادعاهای مربوط به فروپاشی اقتصادی می‌تواند انتظارات منفی ایجاد کند و بر تصمیم‌های اقتصادی مردم و رفتار بازارها اثر بگذارد. بنابراین، نباید اجازه داد فضا سازی رسانه‌ای جایگزین ارزیابی واقع‌بینانه از شرایط اقتصادی کشور شود.

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق ادامه داد: در چنین شرایطی، مسئولان اقتصادی وظیفه دارند با حضور به‌موقع در عرصه اطلاع‌رسانی، وضعیت منابع، ظرفیت‌ها و برنامه‌های کشور را برای مردم تشریح کنند. باید به‌صورت شفاف درباره منابع ارزی، ذخایر راهبردی، وضعیت تأمین کالاهای اساسی و اقدامات انجام‌شده برای مدیریت بازار توضیح داده شود تا جامعه در برابر ادعاهای غیرمستند و فضا سازی‌های روانی از اطلاعات دقیق برخوردار باشد.

تقویت ظرفیت‌های تولیدی، حمایت از نهادهای اقتصادی، مقابله با رانت و حفظ انضباط پولی و مالی از الزامات عبور از شرایط کنونی است. به گفته وی، به‌جای تضعیف نهادهای اقتصادی و تشدید فضای بی‌اعتمادی، باید با رویکردی کارشناسی و تصمیم‌گیری خردمندانه، ثبات اقتصادی و تاب‌آوری کشور در برابر فشارهای خارجی را تقویت کرد.

از ظرفیت‌های داخلی تا پیوندهای منطقه‌ای
اقتصاد ایران طی دهه‌های گذشته با تحریم‌های اقتصادی، محدودیت‌های تجاری و نوسانات ناشی از تحولات سیاسی و بین‌المللی مواجه بوده است. در واکنش به این شرایط، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با هدف کاهش وابستگی به عوامل بیرونی، تقویت ظرفیت‌های داخلی و افزایش توان اقتصاد برای مقابله با شوک‌های خارجی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این میان، بهره‌گیری از ظرفیت‌های تولیدی کشور، توسعه روابط اقتصادی با کشورهای همسایه و حفظ مسیرهای تجاری جایگزین، از جمله راهکارهای تقویت تاب‌آوری اقتصادی به شمار می‌روند. با این حال، میزان موفقیت این رویکرد به نحوه اجرای سیاست‌ها، کاهش آسیب‌پذیری‌های ساختاری و تقویت پیوند میان تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی وابسته است.

حمید هوشنگی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق هم همین نظر را دارد و می‌گوید: تاب‌آوری ملی در ایران ریشه تاریخی دارد و عواملی مانند جایگاه خانواده و استحکام روابط انسانی می‌توانند به تقویت تاب‌آوری اجتماعی در مواجهه با بحران‌ها کمک کنند.

وی با بیان اینکه بخشی از آسیب‌پذیری اقتصاد ایران به ارتباط آن با نظام اقتصادی جهانی بازمی‌گردد، افزود: سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هدف کاهش این آسیب‌پذیری تدوین شده‌اند تا کشور ضمن تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، تعاملات خارجی خود را حفظ کند و در برابر شوک‌های بیرونی تاب‌آوری بیشتری داشته باشد. به گفته وی، هر میزان از اجرای این سیاست‌ها توانسته است بخشی از آثار فشارهای خارجی را کاهش دهد، هرچند اقتصاد ایران همچنان با ضعف‌های جدی مواجه است. هوشنگی موقعیت ژئوپلیتیک ایران و ارتباط با ۱۵ کشور همسایه را از دیگر ظرفیت‌های تقویت تاب‌آوری اقتصادی دانست و گفت: پیوندهای تاریخی، منطقه‌ای و تجاری و همچنین ایجاد مسیرهای جایگزین برای مبادلات، می‌توانند بخشی از آثار تحریم و انزوا ی اقتصادی را تعدیل کنند؛ هرچند محدودیت‌های خارجی همچنان هزینه‌هایی برای اقتصاد و جامعه به همراه دارند.

وی در ادامه با اشاره به اهداف احتمالی آمریکا از اعمال فشارهای اقتصادی علیه ایران اظهار کرد: یکی از محاسبات این رویکرد، تبدیل فشارهای اقتصادی و مشکلات معیشتی به نارضایتی اجتماعی و افزایش فاصله میان جامعه و نظام سیاسی است؛ موضوعی که اهمیت تقویت تاب‌آوری اقتصادی

سابقه داشته و در شرایط بحرانی می‌تواند به تنظیم بازار کمک کند. به اعتقاد وی، منتقدان مداخله بانک مرکزی باید توضیح دهند که در صورت افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی، چه راهکار جایگزینی برای مدیریت بازار پیشنهاد می‌کنند.

وی با اشاره به ادعاهای مطرح‌شده درباره فروپاشی اقتصاد ایران از سوی وزیر خزانه‌داری آمریکا اظهار کرد: اقتصاد ایران با وجود فشار تحریم‌ها از ظرفیت‌های تولیدی قابل‌توجهی برخوردار است و همین توانمندی‌ها مانع از تحقق پیش‌بینی‌ها درباره سقوط اقتصادی کشور شده است. با این حال، در شرایط جنگی کنونی، تصمیم‌گیری کارشناسی، حفظ انضباط مالی و پولی و جلوگیری از تشدید انتظارات تورمی برای تقویت تاب‌آوری اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارد.

وی با اشاره به ظرفیت‌های تولیدی کشور افزود: ایران در تولید کالاهای اساسی و محصولات کشاورزی، از جمله گندم، توانمندی‌های قابل‌توجهی دارد و ظرفیت‌های داخلی و ذخایر موجود می‌توانند در تأمین نیازهای اساسی مردم نقش مؤثری ایفا کنند. به گفته وی، تقویت این ظرفیت‌ها از عوامل مهم کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر فشارهای خارجی است.

هشدار درباره نقش فضا سازی منفی در تشدید تورم
این اقتصاددان با انتقاد از حملات برخی جریان‌های داخلی به نهادهای اقتصادی کشور گفت: انتقال مداوم پیام کاهش ارزش پول ملی به جامعه می‌تواند انتظارات تورمی را تشدید کند و مردم را به خرید هیجانی کالاها سوق دهد؛ وضعیتی که خود به بی‌ثباتی اقتصادی دامن می‌زند.

پازوکی با تأکید بر ضرورت جلوگیری از تضعیف اعتماد عمومی اظهار کرد: با وجود مخالفت با جنگ و آگاهی از پیامدهای خامان‌سوز آن، در صورت حمله خارجی دفاع وظیفه ملی است. در چنین شرایطی، باید ضمن حفظ آرامش جامعه، از فضا سازی‌هایی که به افزایش ناطمینانی و تضعیف تاب‌آوری اقتصادی منجر می‌شوند، جلوگیری کرد.

لرزم تقویت انضباط پولی و مالی برای مهار تورم

پازوکی یکی از عوامل مهم بی‌ثباتی اقتصادی را غلبه سیاست مالی بر سیاست پولی دانست و گفت: رشد نقدینگی از عوامل مهم تورم در اقتصاد ایران است و زمانی که سیاست مالی بر سیاست پولی غلبه پیدا کند، کنترل تورم دشوارتر می‌شود. ازاین‌رو، دولت باید با اولویت‌بندی هزینه‌ها، حذف مخارج غیرضروری و کاهش فشار بر بانک مرکزی، زمینه کنترل رشد نقدینگی را فراهم کند.

وی افزود: تخصیص بهینه منابع، تصمیم‌گیری بر پایه نظر کارشناسی و استفاده از نیروهای متخصص و تکنوکرات در نهادهایی مانند بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی، می‌تواند توان کشور برای مقابله با مشکلات اقتصادی را افزایش دهد.

این اقتصاددان در پایان با تأکید بر اینکه منافع ملی باید محور تصمیم‌گیری‌ها باشد، تصریح کرد:

کلان

بحرانی و غیرخطی، همچنان بر اثرگذاری فشارهای اقتصادی واشنگتن حساب می‌کند، اظهارات عبدالنصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی، درباره کفایت منابع ارزی کشور تا پایان دولت دونالد ترامپ، تصویری متفاوت از ظرفیت ایران برای مدیریت فشارهای خارجی ترسیم می‌کند. هم‌زمان، کارشناسان اقتصادی با تأکید بر ضرورت تعریف دقیق فروپاشی اقتصادی، معتقدند ارزیابی تاب‌آوری ایران باید بر پایه شاخص‌های واقعی، از جمله توان تأمین نیازهای ارزی، استمرار تولید، ظرفیت داخلی تأمین کالاهای اساسی و امکان استفاده از مسیرهای تجاری منطقه‌ای انجام شود. از نگاه این کارشناسان، ذخایر ارزی، مداخله هدفمند بانک مرکزی برای مهار نوسانات بازار ارز و تقویت پیوندهای اقتصادی با همسایگان، در کنار انضباط پولی و مالی، از ابزارهای مهم عبور از فشارهای خارجی هستند؛ هرچند مهار تورم و مدیریت کسری بودجه همچنان از ضرورت‌های اساسی ثبات اقتصادی به شمار می‌روند. در چنین شرایطی، «بن‌بست بسنت» را می‌توان پرسشی درباره فاصله میان پیش‌بینی‌های واشنگتن از آینده اقتصاد ایران و ظرفیت‌های واقعی این اقتصاد برای سازگاری و ادامه فعالیت دانست؛ ظرفیتی که سنجش آن، بیش از اظهارنظرهای سیاسی، به شواهد و شاخص‌های اقتصادی وابسته است.

ذخایر ارزی پشتوانه تاب‌آوری اقتصاد ایران
ذخایر ارزی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذار برای تأمین نیازهای ارزی، مدیریت نوسانات بازار و مقابله با شوک‌های خارجی به شمار می‌روند. در اقتصادی مانند ایران که با محدودیت‌های ناشی از تحریم و نوسانات درآمد‌های ارزی مواجه است، نحوه دسترسی و استفاده از این منابع در کنار سیاست‌های پولی و مالی، نقش مهمی در تقویت تاب‌آوری اقتصادی دارد. با این حال، ذخایر ارزی به‌تنهایی تضمین‌کننده ثبات نیستند و اثربخشی آنها به مدیریت منابع، کنترل کسری بودجه و مهار تورم وابسته است.

عباس خندان، استاد دانشگاه، هم همین نظر را دارد و با اشاره به اظهارات عبدالنصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی، درباره کفایت ذخایر ارزی کشور برای عبور از فشارهای اقتصادی تا پایان دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، اظهار کرد: برخورداری از ذخایر ارزی کافی، ظرفیت مهمی برای مدیریت فشارهای خارجی و تأمین نیازهای ارزی کشور است و در صورت مدیریت صحیح این منابع، می‌توان از تشدید بحران‌های اقتصادی و فروپاشی اقتصاد جلوگیری کرد.

وی افزود: افزایش تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر تحریم‌ها و فشارهای خارجی، علاوه بر کفایت ذخایر ارزی، به مدیریت بازار ارز، کنترل عوامل تورم‌زا، مهار هزینه‌های دولت و جلوگیری از تشدید انتظارات تورمی بستگی دارد. در مقابل، تداوم کسری بودجه و افزایش نرخ ارز می‌تواند فشارهای تورمی را افزایش دهد و ضرورت هماهنگی سیاست‌های اقتصادی را بیشتر کند.

مهدی پازوکی، اقتصاددان، با تأکید بر ضرورت حمایت از نهادهای اقتصادی، به‌ویژه بانک مرکزی، در رابطه با این موضوع می‌گوید: در شرایط جنگی، مداخله بانک مرکزی برای جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی و ایجاد ثبات در بازار ارز، در چارچوب وظایف این نهاد قرار دارد و نمی‌توان چنین اقداماتی را به معنای حراج ارز تلقی کرد. وی با اشاره به تجربه سال‌های جنگ تحمیلی و پیش‌فروش سکه در آن دوران افزود: استفاده از ابزارهای سیاستی برای مدیریت شرایط اقتصادی،



شش ماه پرنوسان برای نفت و طلا

نفت در اوج، طلا در سراسیبی؛ التهاب بازارها می خوابد؟



در دو روز گذشته قیمت نفت ۱۱۵

جهان

دلار را کرد و اگر اوضاع به همین روال پیش برود و اتفاق مثبت تازه ای نیفتند ممکن است قیمت هربشکه نفت برنت در روزهای آینده به ۱۲۰ دلار هم برسد. اختلال در عرضه، تنش های ژئوپولیتیک، آسیب به خط لوله عربستان و طوفان درخلیج مکزیک از جمله عواملی بود که در بالا رفتن قیمت نفت تاثیرگذار بود. در مقابل، طلا که در ابتدای دوره همچنان از تقاضای پناهگاه امن برخوردار بود، در اکتبر زیر فشار تقویت دلار و کاهش امیدها به تسهیل سیاست پولی آمریکا قرار گرفت. این واگرایی نشان داد که در شرایط بحران، افزایش ریسک ژئوپلیتیک الزاما به رشد هم‌زمان همه دارایی‌های امن منجر نمی‌شود.

بازار نفت در ماه می با نگرانی از پیامدهای جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران و اختلال در تردد کشتی‌ها از تنگه هرمز مواجه بود. این آبراه یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال نفت جهان است و هرگونه محدودیت در آن می‌تواند عرضه جهانی را تحت فشار قرار دهد. به همین دلیل، قیمت نفت علاوه بر وضعیت تولید و مصرف، به اخبار مربوط به مذاکرات سیاسی و احتمال گسترش درگیری‌ها واکنش نشان می‌داد.

در میانه مه، نفت برنت در پی افزایش تنش‌های خلیج فارس و محدود ماندن عبور از تنگه هرمز بالاتر از ۱۰۹ دلار معامله می‌شد. با این حال، در ۲۴ مه، انتشار نشانه‌هایی از احتمال توافق میان تهران و واشنگتن و بازگشایی تنگه هرمز باعث افت قیمت‌ها شد. برنت در این مقطع به حدود ۹۶ دلار و سنت و وست‌تگزاس اینترمدیت آمریکا به ۹۰ دلار و ۸۸ سنت رسید. این عقب‌نشینی نشان داد که حتی در بازاری با نگرانی‌های جدی درباره عرضه، امید به کاهش تنش‌ها می‌تواند بخشی از صرف ریسک سیاسی را از قیمت‌ها حذف کند.

در ماه‌های بعد، بازار میان دو نیروی متضاد حرکت کرد: احتمال احیای صادرات در صورت کاهش تنش‌ها و خطر کمبود نفت در صورت تداوم اختلال در مسیرهای انتقال. حتی اگر تولیدکنندگان ظرفیت افزایش تولید داشته باشند، انتقال نفت به بازارهای مصرف‌کننده به امنیت خطوط لوله، بنادر و مسیرهای دریایی وابسته است. افزایش هزینه بیمه نفتکش‌ها و حمل‌ونقل نیز می‌تواند قیمت تحویل نفت را بالا ببرد.

سپتامبر؛ جهش قیمت با تهدید زیرساخت‌ها
در سپتامبر، حملات به زیرساخت‌های انرژی خاورمیانه بار دیگر نگرانی‌ها درباره عرضه را تشدید کرد. بر اساس گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا، میانگین قیمت نقدی برنت در این ماه به حدود ۱۱۴ دلار در هر بشکه رسید؛ تقریباً ۲۳ دلار بیشتر از میانگین اوت.

یکی از عوامل مهم، اختلال موقت در خط لوله شرق به غرب عربستان سعودی بود؛ مسیری که امکان انتقال نفت به بندر ینبع در دریای سرخ را فراهم می‌کند. این خط لوله در شرایط اختلال در مسیرهای خلیج فارس اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا بخشی از صادرات نفت عربستان را از مسیری جایگزین منتقل می‌کند.

در ۱۵ سپتامبر، قیمت روزانه برنت در پی نگرانی از کاهش صادرات عربستان به حدود ۱۲۱ دلار رسید. با تعمیر خط لوله و ازسرگیری بخشی از

جریان انتقال نفت، قیمت‌ها تا اندازه‌ای از اوج فاصله گرفتند. با این حال، حملات به کشتی‌ها و تداوم نااطمینانی درباره امنیت تنگه هرمز مانع از بازگشت کامل آرامش به بازار شد.

این تحولات نشان داد که قیمت نفت تنها به میزان تولید وابسته نیست؛ احتمال قطع عرضه در آینده نیز می‌تواند به افزایش قیمت‌ها منجر شود. در چنین شرایطی، حتی پیش از وقوع کمبود گسترده، معامله‌گران برای دسترسی به نفت فوری بهای بیشتری می‌پردازند.

اکتبر؛ بازگشت برنت به بالای ۱۱۵ دلار
در اکتبر، افزایش نگرانی‌ها درباره امنیت زیرساخت‌های نفتی و حملات به اهدافی در عربستان سعودی، بار دیگر قیمت‌ها را بالا برد. در ۱۶ اکتبر، برنت به ۱۰۹ دلار و ۸۶ سنت و وست‌تگزاس اینترمدیت به ۱۰۱ دلار و ۴۱ سنت رسیدند.

در ۲۲ اکتبر، برنت در جریان معاملات تا ۱۱۲ دلار و ۶۸ سنت بالا رفت و روز بعد، با تشدید نگرانی‌ها درباره عرضه، قیمت تسویه آن به ۱۱۶ دلار و ۷۲ سنت رسید. وست‌تگزاس اینترمدیت نیز در پایان معاملات به ۱۰۳ دلار و ۲۷ سنت افزایش یافت. برنت در مجموع هفته حدود ۶ درصد رشد کرد. این افزایش، بار دیگر اهمیت امنیت مسیرهای صادراتی و آسیب‌پذیری زیرساخت‌های انرژی را برجسته کرد. در چنین بازاری، آزادسازی ذخایر راهبردی یا افزایش عرضه از سوی برخی تولیدکنندگان می‌تواند بخشی از فشار را کاهش دهد، اما لزوماً برای جبران اختلال در مسیرهای اصلی انتقال کافی نیست.

در پایان این دوره، نفت بار دیگر تحت تأثیر ریسک ژئوپلیتیک قرار داشت. با این حال، تداوم قیمت‌های بالا به مدت و گستره اختلال عرضه وابسته بود؛ کاهش تنش‌ها و احیای پایدار صادرات می‌توانست بخشی از افزایش قیمت را معکوس کند.

”تجربه شش ماه گذشته نشان داد که جنگ به‌تنهایی جهت حرکت بازارهای جهانی را تعیین نمی‌کند. اثر نهایی بحران به این بستگی دارد که چگونه عرضه انرژی، تورم، ارزش دلار و سیاست پولی را تغییر دهد. نفت از نگرانی درباره کمبود عرضه سود برد، اما طلا در برابر پیامدهای تورمی همان بحران و افزایش احتمال تداوم نرخ‌های بهره بالا آسیب‌پذیر شد.

“

طلا؛ چرا بحران به رشد قیمت منجر نشد؟

در نگاه نخست، انتظار می‌رود تشدید جنگ و نااطمینانی سیاسی به افزایش تقاضا برای طلا منجر شود. این فلز به دلیل نداشتن ریسک اعتباری مستقیم یک دولت یا شرکت، در دوره‌های بحران معمولاً به‌عنوان پناهگاه سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد. با این حال، قیمت طلا علاوه بر ریسک سیاسی، به نرخ بهره واقعی، ارزش دلار و انتظارات بازار درباره سیاست پولی بانک‌های مرکزی وابسته است.

در ۱۵ مه، قیمت نقدی طلا با افتی بیش از ۲ درصد به حدود ۴ هزار و ۵۵۲ دلار در هر اونس رسید. افزایش بازده اوراق خزانه‌داری آمریکا و تقویت دلار از عوامل فشار بر طلا بودند. هم‌زمان، افزایش قیمت انرژی نگرانی‌های تورمی را تشدید کرده بود و معامله‌گران احتمال کاهش نرخ بهره فدرال رزرو را کمتر ارزیابی می‌کردند.

این وضعیت یک تناقض ظاهری را آشکار کرد: جنگ از یک سو تقاضا برای دارایی‌های امن را افزایش می‌دهد، اما از سوی دیگر، اگر باعث افزایش پایدار قیمت انرژی و تورم شود، می‌تواند بانک مرکزی آمریکا را به حفظ نرخ‌های بهره بالا برای مدت طولانی‌تر سوق دهد. در این شرایط، نگهداری طلا که سود دوره‌ای ندارد، در مقایسه با اوراق بهره‌دار هزینه فرصت بیشتری پیدا می‌کند.

اکتبر؛ فشار دلار و نرخ بهره بر فلز زرد
در اکتبر، طلا با فشار فروش بیشتری مواجه شد. افزایش قیمت انرژی نگرانی از بازگشت تورم را تقویت کرد و بازارها را به بازنگری در مسیر نرخ بهره آمریکا واداشت. در ۲۲ اکتبر، قراردادهای آتی طلا در کامکس با افت ۲.۱۲ درصدی در سطح ۴ هزار و ۴۲ دلار و ۸۰ سنت تسویه شدند؛ پایین‌ترین سطح تسویه از سوم اوت.

یک روز بعد، قیمت نقدی طلا به زیر ۴ هزار دلار

سقوط کرد و این فلز در مجموع هفته حدود ۴ درصد کاهش یافت؛ شدیدترین افت هفتگی آن از ژوئن. بخشی از فشار فروش نیز به نیاز برخی سرمایه‌گذاران به نقدینگی در پی زیان‌های بازار سهام مربوط می‌شد. در دوره‌های پرنوسان، سرمایه‌گذاران گاهی حتی دارایی‌های امن خود را برای جبران زیان یا تأمین وجه تضمین می‌فروشدند. در آستانه نشست ۲۷ و ۲۸ اکتبر فدرال رزرو، بازارها عمدتاً انتظار داشتند نرخ بهره بدون تغییر بماند، اما نگرانی از تداوم تورم و احتمال افزایش نرخ بهره در ماه‌های بعد همچنان مطرح بود. از این رو، طلا نه‌تنها از تحولات سیاسی، بلکه از داده‌های تورمی آمریکا و تغییر انتظارات سیاست پولی تأثیر می‌گرفت.

دو بازار، دو واکنش به یک بحران
واگرایی نفت و طلا در این دوره از تفاوت ماهیت این دو بازار ناشی می‌شد. نفت کالایی فیزیکی است و اختلال در تولید یا انتقال آن می‌تواند مستقیماً عرضه قابل دسترس را کاهش دهد. طلا، در مقابل، بیش از آنکه به کمبود فیزیکی وابسته باشد، از تصمیم سرمایه‌گذاران درباره نرخ بهره، دلار و میزان ریسک‌پذیری اثر می‌پذیرد.

افزایش قیمت نفت همچنین می‌تواند هزینه حمل‌ونقل و تولید را بالا ببرد و فشار تورمی را به سایر بخش‌های اقتصاد منتقل کند. اگر بانک‌های مرکزی در واکنش به این فشار نرخ بهره را بالا نگه دارند، ممکن است اثر منفی آن بر طلا از افزایش تقاضای پناهگاه امن قوی‌تر شود.

همه‌چیز به جنگ و سیاست پولی بستگی دارد
در پایان ۲۴ اکتبر، چشم‌انداز نفت به امنیت مسیرهای صادراتی، وضعیت زیرساخت‌های انرژی و احتمال کاهش تنش‌ها وابسته بود. تداوم اختلال در عرضه می‌توانست قیمت‌ها را بالا نگه دارد، در حالی که توافق سیاسی پایدار و بازگشت جریان صادرات می‌توانست بخشی از صرف ریسک جنگ را از قیمت نفت حذف کند.

برای طلا، مسیر بعدی بیش از هر چیز به ترکیب تحولات ژئوپلیتیک و داده‌های اقتصادی آمریکا بستگی داشت. کاهش تورم و افزایش احتمال کاهش نرخ بهره می‌توانست از این فلز حمایت کند؛ اما تداوم قیمت بالای انرژی، تقویت دلار و افزایش بازده واقعی اوراق، همچنان خطر افت بیشتر را در پی داشت.



اقتصادی جدید، رقابت شدید میان شرکت‌ها و نگرانی‌های مقرراتی، اعتماد سرمایه‌گذاران را تضعیف کرده‌اند. سقوط سهام علی‌با و افت شاخص‌های فناوری نشان می‌دهد حتی شرکت‌های بزرگ و شناخته‌شده نیز از موج کاهش ریسک در امان نیستند.

با وجود شدت گرفتن موج فروش، نمی‌توان از هم‌اکنون نتیجه گرفت که رونق هوش مصنوعی به پایان رسیده است. در معاملات روز جمعه ۲۳ اکتبر، برخی سهام فناوری آمریکا تا حدودی ثبات پیدا کردند؛ هرچند نگرانی‌ها درباره هزینه‌های هوش مصنوعی همچنان پابرجا بود.

چین؛ فشار مضاعف بر سهام فناوری
در چین، افت سهام فناوری علاوه بر نگرانی‌های جهانی درباره هوش مصنوعی، از عوامل داخلی نیز تأثیر گرفته است. انتظارات محدود از محرک‌های

خبر

بانک مرکزی ترکیه نرخ بهره را به ۳۶ درصد کاهش داد

بانک مرکزی ترکیه در نخستین اقدام برای کاهش نرخ بهره پس از چند ماه توقف، نرخ بهره سیاستی خود را یک واحد درصد پایین آورد و به ۳۶ درصد رساند. این تصمیم در شرایطی اتخاذ شده است که تورم سالانه ترکیه کاهش یافته، اما افزایش قیمت انرژی و تنش‌های ژئوپلیتیکی همچنان تهدیدی برای مهار پایدار تورم به شمار می‌روند.

کمیته سیاست پولی بانک مرکزی ترکیه روز پنجشنبه، ۲۲ اکتبر، نرخ بهره معاملات بازخريد یک‌هفته‌ای را از ۳۷ درصد به ۳۶ درصد کاهش داد. این نهاد همچنین نرخ وام‌دهی شبانه را از ۴۰ درصد به ۳۹ درصد و نرخ استقراض شبانه را از ۳۵.۵ درصد به ۳۴.۵ درصد رساند. این تصمیم پس از پنج نشست متوالی اتخاذ شد که در آنها نرخ بهره اصلی بدون تغییر باقی مانده بود.

تورم پایین‌تر، تقاضای ضعیف‌تر

کاهش نرخ بهره پس از انتشار آمار تورم سپتامبر صورت گرفت. بر اساس داده‌های رسمی، تورم سالانه ترکیه در این ماه به ۲۹.۷۳ درصد رسید؛ در حالی که این رقم در ماه اوت ۳۱.۵۱ درصد بود. تورم ماهانه نیز در سپتامبر ۱.۸۴ درصد ثبت شد. پایین آمدن تورم سالانه به زیر ۳۰ درصد، برای نخستین بار از نوامبر ۲۰۲۱، نشانه‌ای از پیشرفت در مهار فشارهای قیمتی محسوب می‌شود.

بانک مرکزی در بیانیه خود اعلام کرد که داده‌های اخیر تورم و شاخص‌های پیش‌نگر از کاهش روند زیربنایی افزایش قیمت‌ها حکایت دارند. همچنین، داده‌های فعالیت اقتصادی نشان می‌دهند تقاضای داخلی همچنان ضعیف است؛ عاملی که می‌تواند به کاهش فشارهای تورمی کمک کند.

با این حال، بانک مرکزی هشدار داد که بالا ماندن قیمت انرژی در نتیجه تنش‌های ژئوپلیتیکی همچنان خطر افزایش تورم را به همراه دارد. ترکیه به واردات انرژی وابستگی دارد و افزایش هزینه نفت و گاز می‌تواند هزینه تولید، حمل‌ونقل و واردات را بالا ببرد.

مسیر کاهش نرخ بهره ادامه دارد؟

بانک مرکزی ترکیه تأکید کرده است که سیاست پولی انقباضی تا دستیابی به ثبات قیمت‌ها ادامه خواهد یافت و تصمیم‌های بعدی بر اساس روند تورم و انتظارات قیمتی اتخاذ می‌شوند. این نهاد همچنین هشدار داده است که در صورت وخامت قابل‌توجه و پایدار چشم‌انداز تورم، ممکن است دوباره سیاست پولی را سخت‌گیرانه‌تر کند.

اقتصاددانان مورد نظرسنجی رویترز انتظار دارند نرخ بهره در نشست بعدی، در دهم دسامبر، یک واحد درصد دیگر کاهش یابد و به ۳۵ درصد برسد؛ هرچند تحقق این پیش‌بینی به تحولات تورم و شرایط اقتصادی بستگی دارد.

بدهی منطقه یورو زیاد شد

تازه‌ترین داده‌های یوروستات نشان می‌دهد بدهی دولت‌های منطقه یورو در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۶ افزایش یافته و به ۸۸.۸ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است. رشد بدهی عمومی در شرایطی رخ می‌دهد که برخی دولت‌های اروپایی با کسری بودجه بالا، افزایش هزینه استقراض و فشار برای تأمین مالی مخارج عمومی مواجه‌اند، وضعیتی که می‌تواند بر بازار اوراق قرضه و نظام بانکی اروپا تأثیر بگذارد.

بر اساس داده‌های منتشرشده از سوی اداره آمار اتحادیه اروپا در ۲۱ اکتبر، بدهی ناخالص دولت‌های منطقه یورو در پایان سه‌ماهه دوم به حدود ۱۴.۴۴ تریلیون یورو رسید؛ در حالی که این رقم در سه‌ماهه نخست حدود ۱۴.۲۵ تریلیون یورو بود. نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا نیز از ۸۲.۵ درصد به ۸۲.۹ درصد افزایش یافت.

یونان و ایتالیا در صدر بدهکاران

یونان با نسبت بدهی معادل ۱۴۰.۸ درصد تولید ناخالص داخلی، همچنان بدهکارترین کشور اتحادیه اروپا باقی ماند. ایتالیا با نسبت ۱۳۹.۹ درصد در رتبه بعدی قرار گرفت و فاصله این دو کشور به کمتر از یک واحد درصد رسید. فرانسه نیز با نسبت بدهی ۱۱۹.۱ درصد در جایگاه سوم قرار گرفت. بدهی بلژیک و اسپانیا نیز به‌ترتیب به ۱۱۰.۲ و ۱۰۱.۴ درصد تولید ناخالص داخلی رسید.

در میان اقتصادهای بزرگ منطقه، وضعیت فرانسه توجه ویژه‌ای را جلب کرده است. نسبت بدهی این کشور در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۳.۷ واحد درصد افزایش یافته است. هم‌زمان، بازده اوراق قرضه ۱۰ساله فرانسه در روز ۲۱ اکتبر برای نخستین بار از سال ۲۰۰۲ از مرز ۵ درصد عبور کرد؛ نشانه‌ای از افزایش هزینه تأمین مالی دولت در شرایط نگرانی سرمایه‌گذاران درباره وضعیت بودجه و بی‌ثباتی سیاسی.

سهام

بازارهای جهانی سهام در روزهای پایانی هفته گذشته شاهد موجی از فروش بودند که شرکت‌های فناوری

و فعالان حوزه هوش مصنوعی را در مرکز توجه قرار داد. روز پنجشنبه ۲۲ اکتبر، شاخص نزدک آمریکا ۲.۶ درصد افت کرد؛ بزرگ‌ترین کاهش روزانه این شاخص از ماه ژوئن. سهام متا نیز پس از انتشار خبرهایی درباره برنامه‌های تأمین مالی و افزایش هزینه‌های این شرکت، حدود ۷ درصد سقوط کرد و انویدیا، یکی از مهم‌ترین بازیگران صنعت تراشه‌های هوش مصنوعی، نزدیک به ۴ درصد از ارزش خود را از دست داد. این فشار فروش به آمریکا محدود نماند. در آسیا، سهام فناوری در بازارهای چین، هنگ‌کنگ، ژاپن و کره جنوبی نیز با افت قابل‌توجهی مواجه شد. شاخص CSI ۳۰۰ چین در روز پنجشنبه ۱.۸ درصد کاهش یافت و با رسیدن به حدود ۲۰ درصد پایین‌تر از اوج اخیر خود، وارد محدوده بازار نزولی شد.

مسئله فقط افت قیمت سهام نیست

در قلب این نگرانی‌ها، پرسشی اساسی قرار دارد: آیا شرکت‌های فناوری می‌توانند از سرمایه‌گذاری‌های عظیم خود در هوش مصنوعی به اندازه‌ای درآمد کسب کنند که هزینه‌هایشان را توجیه کند؟ شرکت‌های بزرگ فناوری آمریکا برای توسعه

آیا حباب فناوری در حال ترکیدن است؟
مقایسه شرایط کنونی با حباب شرکت‌های اینترنتی در اواخر دهه ۱۹۹۰ دوباره در بازارها مطرح شده است. در آن دوره، انتظارات بیش از اندازه خوش‌بینانه درباره آینده اینترنت باعث افزایش شدید ارزش شرکت‌ها شد؛ اما بسیاری از کسب‌وکارها نتوانستند درآمدی متناسب با ارزش‌گذاری خود ایجاد کنند. البته شرایط امروز دقیقاً مشابه آن دوره نیست.